

## نبرد قدرت در فاز کم‌دی!

چگونگی جریان یافتن نبرد قدرت در فاز جدید به راستی شگفت‌انگیز است و متناظر با مرحله‌گندیدگی کامل نظام، رنگ و بوی گندیده و از نوع کم‌دی- خرافی یافته است. اکنون دیگر شکل بیان منازعات، فقط در قالب‌های سیاسی از نوع براندازی نرم و سخت و یا اصلاح طلبی و اصولگرایی و تنازع جامعه مدنی و جامعه النبی و یا نفوذ دشمنان و استکبار جهانی و امثال آن نیست. گرچه با آنها همراه است و بهنگام فرارسیدن لحظه تصفیه حساب کامل انگ نفوذ دشمن و وابستگی غلظت بیشتری خواهد یافت. از هم اکنون هم شاهد زمینه‌چینی‌های گوناگون (مالی و سیاسی و امنیتی و...) برای روزمبادا و سناریوی نهایی هستیم، اما روشن است که این بار درگام‌های اول، نوک حمله تبلیغاتی در پوشش مقولاتی چون ظهور و جادو و سحر و امثال آن‌ها متمرکز شده است. وگویی جناح حامی ولایت مطلقه فقیه، لازم می‌بیند که ابتدا رقیب را توسط عبارات مستهجن مداحان و اکنون دمخور بودن با شیاطین واجنه و گرفتن راهبرد از آنها، بطور کامل خراب رسوانماید و سپس در اوج انزوا به سراغ فازهای بعدی سناریوی تصفیه‌سازی برود. البته یکی از دلایل توسل به این شیوه آن است که منشأ و مکان بروز بحران این بار بطور مستقیم در میان صفوف اصول‌گرایان قرار داشته و از قضا خطر "ظهور امام زمان دروغین"، حاصل دست‌پخت خود حضرت آقا بوده و با اصطلاح از درون بارگاه "فرعون" و از جرگه کسانی که تا همین اواخر مشمول حمایت مطلق وی بوده‌اند برخاسته است و لذا تنش در فضای فکری-فرهنگی به غایت منحنی این جماعت جریان دارد.

درواقع بحران متأخر و موسوم به "فتنه سبز" با چهره‌های نمادین موسوی و کروبی نیز بخشا در میان اصول‌گرایان پایه داشت که البته بدلیل پیوند خوردنش با نارضایتی سایر لایه‌ها و بخش‌های دیگر اجتماعی سریعاً از محدوده تضاد صرف بالائی‌ها خارج شده و خصلت کشمکش‌های بیرون از ساخت قدرت را پیدا کرد. ولی اکنون گرداب به وجود آمده از موج بلند بحران، دامن خود اصول‌گرایان را نیز گرفته است. و البته مردم نیز به همان اندازه که این بحران در ادوی اصول‌گرایان و حاکمیت جریان دارد تماشاچی هستند و بهمین دلیل ویژگی بروز بحران اخیر اساساً تعلق‌اش به منازعات درون حکومتی است. بهره‌برداری مردم ناراضی از این بحران نه در قالب حمایت از این یا آن جناح بلکه در استهزاء و منزوی کردن بیشتر هر دو جناح به مثابه دعوی میان گرگ‌ها و احيانا بهره‌برداری از خلأ‌های محتمل آتی است. در واقع هرچه که رژیم روزنه‌های فوران بحران و نارضایتی در بیرون از ساختار قدرت را از طریق سرکوب- و لوبطور موقت- مسدود و مسدودتر می‌کند، مکان بروز بحران علیرغم یکدست‌تر کردن ساختار قدرت به درون اصول‌گرایان و باند‌های درونی آن منتقل می‌گردد و حاکمیت ناگزیر می‌شود، برای کنترل "فتنه تازه" به جان خود بیفتد و با حذف و تصفیه بخشی از خود و خودی‌ها، با توسل به نوعی خودیرانگری ماذوخیستی، خویشتن را از گرداب بحران بیرون بکشد. تخریب و تصفیه و جراحی همیشه بخشی از راه کارهای حل بحران برای نظام‌های نابهنگام و مستبد بوده است و حیات و ممانت حکومت اسلامی با آن گره خورده است.

### وقتی جهان وارونه اشباح جان می‌گیرد!

اکنون صراحتاً از طلسم شدگی احمدی نژاد و ضرورت بیرون کشیدن وی از چنگ جادو و سحر، و رمالان و شیاطینی که گرداگرد او را احاطه کرده‌اند سخن گفته می‌شود. حالا دیگر بنا به روایت‌های رسمی و در مقابل چشمان بهت‌زده، همه افسانه‌های مربوط به جهان اشباح و انس و جن از لابلای رسوبات و ضماین ناخودآگاه کهن تاریخ ما و کتاب‌های تخیلی پرکشیده و وارد زندگی واقعی شده‌اند! گویی لشکر اجنه و شیاطین نیز به صفوف کشمکش‌های درونی جمهوری اسلامی افزوده شده‌اند. اکنون طبق همین سخنان رسمی این رمالان و شیاطین و طلسم‌شدگان هستند که زمام دولت و مقدرات یک کشور هفتاد-هشتاد میلیونی را به دست گرفته‌اند. مصباح یزدی، "فیلسوف" رسمی و بزرگوار نظام و خامنه‌ای، رسماً از طلسم شدگی احمدی نژاد و ضرورت بیرون کشیدن وی از چنگ طلسم‌کنندگان-البته اگر شانس باقی مانده باشد- سخن می‌گوید. او نسبت به خطر ظهور محمد علی باب جدید و این بار بدست خودمان، هشدار می‌دهد که با ادعای اتصال و ارتباط مستقیم با صاحب ولایت و امام زمان و بهره‌مند شدن از فیض مدیریت آن، موقعیت ولی فقیه-ارکان اصلی قدرت- را مستقیماً نشانه گرفته است! بلی، اگر نسخه اصلی قابل دسترسی باشد، دیگر چه حاجت دخیل بستن به نسخه‌های بدلی و واسط هست. اگر انحصار ارتباط با امام زمان شکسته شود، دیگر از انحصار قدرت چه باقی می‌ماند؟ اکنون شیشه عمر و روحانیت و ولایت فقیه

وکلیت نظام درفاز گنبدیگی کامل خود به حفظ انحصار ارتباط با امام زمان (گیرم در قالب الفاظی راز آمیز و کنگ و دوپهلوی) و یا درهم شکسته شدن این انحصار گره خورده است.

سرمایه داری برای بقاء خود همیشه به نوعی متولی گری و ولایت نیاز دارد، حتی در اشکال نوین و پسامدرن خود. اما مدرن کشاکش سرمایه های متعدد در نقاط گوناگون دارای رشد ناموزون و برای بهنگام کردن خود با منافع سرمایه جهانی، ضرورت بهره گیری از اشکال پیشامدرن هم همواره پیش می آید. و در این رابطه اگر لازم باشد این کار را حتی با تراشیدن امام زمان جدید و مدعیان جدید به انجام می رساند. به یک تعبیر میل به هنگام شدن و تأمین منافع در پیوند با سرمایه مدرن و جهانی شده که تاکنون راه های بی شمار و ناموفقی را برای عبور از چنبره و سیطره نظام مذهبی آزموده است، این بار در قالب رندانی تازه، از نقطه دیگر و بطور غافلگیرانه به فکر گشودن درب قلعه قدرت برآمده است. آن چه هم که امروز در ایران، تحت عنوان نبرد اشباح و شیاطین واجنه ها صورت می گیرد خارج از قاعده فوق نبوده و بیان وارونه و رازورزانه و البته از نوع منحط آن چیزی است که بر روی زمین مناسبات سرمایه داری و رقابت سرمایه های متعدد در متنی از باورها و رسوبات و بقایای نظامات کهن جاری است. رندان کوی سیاست بر سر تصاحب سهم بیشتر قدرت (که در حکومت اسلامی منبع اصلی دست یابی به ثروت و رانت های بی حساب و کتاب است) به رقابت پیرامون کسب انحصاری این نمایندگی الهی-ولائی افتاده اند، اما در واقع ناخواسته طبل رسوائی دین حکومتی و سرانجام مضحکه حکومت ولائی را در هر کوی و برزن به صدا در آورده اند. گویا رسالت اصلی افشاء و شخم زدن رسوبات و باورهای کهن و رسوائی حکومت مذهبی به دست متولیان آن سپرده شده است. ریشخند تاریخ است که اکنون هیچ چیز بیشتر از خطر ظهور "امام زمان ارواحنا فدای"، کیان حکومت شیعی و مطلقه را تهدید نمی کند و اگر او جرئت ظهور پیدا کند، خود نظام و کسانی که به نیابت از او حکمرانی می کنند و می خورند و می کشند و می اندوزند، اولین کسانی خواهند بود که وی را دستگیر و کهریزکی و سربه نیست خواهند کرد! و در واقع تاکنون دهها ظهور کننده ناکام و بخت برگشته به چنین سرنوشتی دچار شده اند. گرچه خیل مدعیان ظهور تازگی ندارد، اما خطر این بار بدلیل ظهور مدعیانی در سطوح بالای قدرت است. برای اینان حسرت گرفتن سهمی از قدرت مطلقه چنان نیرومند است که اگر امام زمان- همانطور که سی دی ظهور نزدیک است مدعی آن است- درنگ هزار ساله را کنار نگذارد و با ظهور سریع خود به داد حکومت اسلامی ولایت فقیه که بنام او برپاشده است نه شتابد، کیان امامت و ولایت شیعه را طافت از دست می رود و بیش از این تاب بحران انتظار و فراقت نخواهد بود. اگر سید محمد علی باب و انواع مدعیان ظهور عموماً در بیرون از ساختار قدرت بوده اند و بخشا به عنوان معجونی برگرفته از باورهای برآمده از تناقضات مکتب شیعه در باب امامت و ظهور و به عنوان نتیجه محتوم آن از یکسو و باز خورد وارونه جنبش های اعتراضی برای عبور از مناسبات قرون وسطائی و عقب افتادگی به مناسبات دوران مدرنیته و علیه پیوند مقدس استبداد و روحانیت از سوئی دیگر به ظهور و قیام برخاسته اند، این بار ظاهرها آژیر خطر چنین ظهوری توسط جوجه پرورده شده در زیر بال و پر حضرت آقا سر بر آورده است. آنها اکنون ناباورانه حاصل آنچه را که در زیر گرمای تن خود پرورانده اند، نه از جنس جوجه ولایت، بلکه از جنس شیاطین و نظر کرده های دشمن می یابند: وای! ای خیانت کار تو از جرگه اصول گرایان نبودی و آن نیستی که ما قصد پروراندنت را داشتیم، و نبودی آن گونه که خود را به ما نشان می دادی!...

در این میان نبوغ و بصیرت الهی حضرت آقا هم، گوئی همراه بحران دود شده و به هوامی رود! اکنون دود سفید و سیاه توأمان از دودکش بیرون می آید. و این است بخشی از دلیل فرا افکنی منازعه از دنیای واقعی به دنیای اشباح و شیاطین و افزودن سس هذیان- کمدی به منازعات سیاسی. اما در پشت این فانتزی فرا افکنانه یعنی واقعیت یافتن "جهان اشباح" در قرن بیست و یکم و در رأس هرم نظام حکومت اسلامی و نشان دادن فرجام گنبدیگی برخاسته از تلفیق دین و حکومت، چیزی جز جریان جنگ واقعی قدرت و منافع پیرامون درهم شکستن انحصار آن، در یکی از حادثترین اشکال خود نیست که می کوشد با پاشیدن خاک به چشم دیگران و بویژه حامیان گریبان چاک خود، با فرا افکنی از واقعیت های زمینی، هیکل به غایت زشت و برهنه اش را در وارونگی تمام عیار جهان اشباح و البته در منحط ترین شکل خود به پوشاند:

خامنه ای در فرمان مربوط به ابقاء مصلحی و باهدف کنترل سازمان اطلاعات و امنیت گفته بود تازه است اجازه انحراف به کسی نخواهد داد و سرانجام احمدی نژاد را بر سر دوراهی تسلیم به حکم حکومتی- ابقاء مصلحی- و یا استعفا و کنار رفتن از منصب ریاست

جمهوری قرارداد و مهلتی را نیز برای تصمیم گیری در اختیارش گذاشت که به بست نشینی ۱۱ روزه احمدی نژاد در خانه اش منجر شد. مجلس شورای اسلامی نیز در همان زمان آمادگی و خیز خود را برای استفاده از حربه عدم کفایت در صورت عدم تسلیم احمدی نژاد به حکم حکومتی نشان داد. برای مدتی آژیر قرمز کشیده شد و حتی سیمای جمهوری اسلامی مصاحبه مستقیم وزنده با احمدی نژاد را نیز تا اطلاع ثانوی ممنوع ساخت. با این همه، روند اول نبرد با عقب نشینی احمدی نژاد و تمکین وی به وزارت مصلحی و لفاظی های او در ستایش از ولایت پایان یافت، اما نه آنطور که رقبا از احمدی نژاد تسلیم کامل را می طلبیدند. احمدی نژاد با گامی به عقب، با هدف گذراندن طوفان از فراز سرخود، ترجیح داد که نبرد را در سطح دیگری ادامه دهد. و طرفین خود را برای انجام روند های بعدی آماده می کنند. تا آنجا که به اصول گرایان و خامنه ای برمی گردد، شروط تعیین شده برای تحمل احمدی نژاد تا پایان دوران دوساله باقی مانده از ریاست جمهوری اش، با شروط متعددی همراه است. اگرچه اکنون نقدا شمشیر عدم کفایت بطور مستقیم از بالای سر شخص وی کنار رفته است، اما بلافاصله به سمت همکارانش و چیدن بالهای او و اعلام برائت از تیم یارانش جابجا شده است. آنها اکنون او را مخبر کرده اند که یا بدست خود یاران خود را که مظهر حلول اجنه و شیاطین معرفی شده اند، برکنار کنند و یا آنکه اهرم "قانون" وارد عمل شده و یک به یک با پرونده سازی و با زشت ترین و خردکننده ترین انگ های ممکنه از کار برکنار و دستگیری شوند. در حقیقت کسی منتظر تصمیم احمدی نژاد نمانده و این کار را همزمان با دادگاهی کردن و زدن انواع اتهامات مالی و جنسی و ارائه مدارک ارتباط با شیاطین و اجنه، حتی دستگیری و خلع از مناصب شروع کرده اند و حتی اکنون به سراغ مشائی و بقائی بازجویی از آنها رفته اند و حزب اله و عناصری از جناح مخالف درخواست دستگیری مشائی را مطرح ساخته اند. اکنون دیر زده بین گذاشتن "جریان انحرافی" در تمامی دستگاه ها و ارکانهای نظام اعم از قوه قضائیه و مقننه و... یا سپاه و وزارت امنیت و اطلاعات و در نماز جمعه ها و... در دستور کار قرار گرفته است. کسی مانند جنتی که همواره به فرموده حامی پروپاقرص دولت و احمدی نژاد بود، مأموری شود که برائت خویش از وی را در صحن نماز جمعه تهران برای شریف فهم کردن امت حزب اله و سیاست تازه کشتی بان اعلام کند. کنار گذاشتن تیم همکاران و چیدن بال و پیر احمدی نژاد یک احمدی نژاد کت بسته و بدون هیچ گونه دار و دسته و تشکیلات. کمترین خواست آنها را تشکیل می دهد. حتی تمامی "دست آوردهای بزرگ و بی سابقه ای را که به او نسبت می دادند و به آن می بالیدند، اکنون همگی اخ و تف شده و یک به یک دارند آن افتخارات را از او پس می گیرند. او اکنون کسی است که آمار تقبلی می دهد، اقتصاد و تولید و دخایر ارزی و وضعیت اشتغال در دوره او در زیر سنگین ترین فشارها قرار دارد. سیاست هدفمند سازی یارانه نیز ناکام و شکست خورده است و خطر ترکیدن حساب قیمتها و تورم عنان گسیخته وجود دارد. فرافراکنی از احمدی نژاد، فرافراکنی این "دستاوردهای درخشان" و انداختن کاسه و کوزه همه شکست ها بر سروروی وی نیز هست. البته اصول گرایان سنتی و حامیان ولایت، در شرایط و خامت بحران در داخل و منطقه و تشدید فشارهای بین المللی، یک احمدی نژاد کت بسته و تسلیم شده و پروپال چیده و برائت یافته از یاران را برکنار گذاشتن وی ترجیح می دهند. اما "دنیای سیاست" مکان آرزوها نیست بلکه محل منازعه منافع است. بهمین دلیل آنها در عین حال آنها در حال طرح سناریوهای دیگری نیز هستند، تا اگر به خیره سری ادامه دهد و به متشکل کردن حامیان خویش اصرار به ورزد و از خط قرمزها عبور کند، اقدامات دیگری را نیز در دستور قرار بدهند. با هجوم از هرسو، چنان او را دچار هر روزیک بحران می کنند که خاتمی با سابقه هر نه روزیک بحران به خود امیدوار شده و به صرافت بخشودگی متقابل رهبری و مردم می افتد!

احمدی نژاد چه بماند و چه نماند دیگر مهره سوخته شده ای است برای نظام. موضوع اصلی چگونگی اتخاذ تدابیری برای بی اثر کردن کامل وی و کنترل پیامدهای محتمل آن است. در این راستا می تواند سناریوی های حداکثر و حداقلی وجود داشته باشد که متناسب با عوامل نامعین و پیش بینی ناپذیر مطرح خواهند شد. بدیهی است که اگر تمامی تلاش حکومت اسلامی گذر از این بحران و جراحی ناگزیر است، برای جنبش سرنگونی نیز چگونگی استفاده از این شکاف ها برای نزدیک شده به هدف نهائی از اهمیت زیادی برخوردار است.

۲۰۱۱-۰۵-۲۲ ۰۱-۰۳-۹۰ تقی روزبه

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>

taghi\_roozbeh@yahoo.com